

جزئیات مذاکره قوام و استالین به روایت معتضد

۴ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۰:۰۳

قوام بعد از مذاکره با استالین وقتی به کاخ برمی‌گشت به حدی اذیت شده بود که گریه می‌کرد و به همراهانش شکوه می‌کرد
چقدر استالین بی‌ادب است که دود پیش را به صورت من می‌زند.

احمد قوام ملقب به قوام‌السلطنه (۱۳۳۴-۱۲۵۲ش) پسر میرزا ابراهیم معتمدالسلطنه برادر وثوق‌الدوله از رجال معروف تاریخ
معاصر ایران علی‌الخصوص عصر پهلوی است.

او تحصیلات مقدماتی را به اتفاق برادرش حسن وثوق نزد معلمین خصوصی فرا گرفت و سپس در زمینه ادبیات فارسی و صرف و
نحو عربی، عروض، معانی بیان و ریاضیات قدیم ادامه تحصیل داد و مدتی نیز در مدرسه مروی به آموزش فلسفه و حکمت اشتغال
ورزید.

او در ۱۲ یا ۱۳ سالگی مدتی جزو پیشخدمتان ناصرالدین شاه بود اما پس از ترور او از دربار فاصله گرفت و هنگامی که داییش
میرزا علی خان امین‌الدوله در ۱۳۱۴ ق به والیگری آذربایجان رسید، به آنجا رفت و سمت دبیر حضوری او را یافت. وی پس از
صدارت امین‌الدوله به سمت منشی مخصوص او در آمد اما پس از عزلش جهت ادامه تحصیل به اروپا رفت و در دانشکده حقوق در
رشته علوم سیاسی مشغول تحصیل شد، ولیکن نتوانست تحصیلات خود را به پایان ببرد و به ایران برگشت. پس از بازگشت به
ایران وزیر حضور مظفرالدین شاه شد و مسئولیت ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی را بر عهده گرفت. او خط بسیار زیبایی داشت
و فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ق به خط او نگارش یافت. وی در همان سال پس از فوت نریمان خان قوام‌السلطنه وزیر مختار
ایران در اطریش لقب او را کسب کرد. رشد سیاسی قوام پس از فتح تهران به دست مجاهدین شروع شد و او به ترتیب به معاونت
وزارت داخله، وزیر وزارت جنگ، کشور و عدلیه نائل گشت. همچنین در کابینه دوم مستوفی الممالک در ۱۲۹۸ ش به والیگری
(فرمانفرمای) کل خراسان و سیستان دست یافت. قوام‌السلطنه به هنگام کودتای ۱۲۹۹ ش به رهبریت سید ضیاءالدین و رضاخان
میر پنج به دلیل اهمال در ابلاغ دستورات دولت کودتا به ادارات و مردم مورد غضب قرار گرفت و توسط کلنل محمدتقی خان
پسیان دستگیر و روانه تهران گردید. وی به محض رسیدن به تهران زندانی شد اما پس از برکناری سید ضیاءالدین به دستور احمد
شاه به صدارت رسید.

قوام جز ساستمدارن موفق دوران قاجار و پهلوی است که در دوران ستم‌شاهی و ساختار غلط آن اقدامات درست و نادرست داشته است اقدام درستش نجات آذربایجان است و مقاومت در برابر زیادخواهی رضاخان و محمدرضا شاه است و دفاع از قانون مشروطه است و اقدام نامناسب در قیام ۳۰ تیر است روبه روی ملت قرار گرفت. به همین دلیل با خسرو معتضد مورخ و نویسنده به گفت و گو نشستیم.

* آیا با یک نگاه کلی به قوام السلطنه می‌توان او را چگونه ارزیابی کرد؟

قوام و مصدق به جهاتی جز خدمت‌گذاران تاریخ ایران هستند. یکی از ویژگی‌های بررسی تاریخی این است که هر اندازه از زمان حوادث دور می‌شویم درخندگی و سیاهی صورت‌ها روشن‌تر می‌شود. به این دلیل که هر روز با انتشار اطلاعات جدید برگه تازه از حوادث تاریخی روشن‌تر می‌شود.

اطلاعات جدیدی که از اسناد داخلی آمریکا و انگلیس بعد از سال ۱۹۲۷ میلادی منتشر شد چهره جدیدی از قوام ساخته است.

پدر قوام معتمدالسلطنه بود که سه فرزند به نام وثوق، احمد و معتمدالسلطنه دوم داشت.

* قوام به درخواست مظفرالدین شاه تحصیلات را نیمه کاره رها کرد

قوام در جوانی در فرانسه و رشته حقوق درس می‌خواند اما به درخواست مظفرالدین شاه درس را نیمه‌کاره رها کرد و به ایران بازگشت. عکس‌های زیادی از قوام زمانی که منشی مظفرالدین شاه بود وجود دارد در دوران تحصیل تا حدود زیادی به زبان فرانسه مسلط شد خط بسیار خوشی نیز داشت.

* قوام در جوانی طرفدار استبداد بود

قوام در جوانی مقوم استبداد بود و اما در طول زمان و به تدریج با ادامه تحصیلات و بالاتر رفتن سن و رفتن به سفر خارجی شده و فکرش بازتر می‌شود.

* تنها ارثیه پدری قوام، قرآن خطی بزرگ و ارزشمند بود

خانواده قوام متمکن نبودند. تنها ارضیه ارزشمند پدری قوام، قرآن خطی بزرگ و ارزشمند بود. بنابراین دو برادر قوام و وثوق السلطنه زمانی که به مقامی دست پیدا می کردند از دریافت خدمتانه، پیشکش و زمین خوداری نمی کردند و این رسم آنروزگار بود علاوه بر اینکه دولت به کارمندان خود حقوق نمی داد. حاکمان ولایات نیز باید پولی را به دربار شاهان قاجار می دادند و این پول را باید از مردم جمع آوری می کردند.

چنین روش حکمرانی از گذشته بسیار دور به خصوص از دوره مغول در ایران باب شده بود قوام نیز در آن فضا زندگی می کرد و از این روش تبعیت می کرد بنابراین نمی توان از دوران جوانی قوام تمجید کرد. زمانی که حاکم خراسان شد.

*قوام السلطنه قصد ترور رضاخان را داشت

قوام السلطنه با کودتای سید ضیاء زندانی و بعد از کودتا از زندان آزاد می شود و دوبار با حکم احمدشاه قاجار نخست وزیر ایران می شود. و رضاخان وزیر جنگش می شود که در این دوره کشمکش قوام و رضاخان بالا گرفت چون قوام نمی توانست اجازه دهد که رضاخان وزیر جنگش بود همکاره کشور شود. حتی یک - دو بار قصد کرده بود که رضاخان را از بین ببرد - اما موفق نمی شود.

*قوام به دستور رضاخان تبعید می شود

قوام به دستور رضاخان تقریباً از سال ۱۳۰۲ تبعید می شود مدتی در خارج از کشور به سر می برد و بعد با وساطت برادرش به املاک خود لاهیجان بر می گردد در مزرعه چای خود زندگی می کند. و هرگز در سیاست دخالت نمی کرد. قوام به دلیل اینکه از دوران جوانی مورد لطف مظفرالدین شاه قرار داشت. ثروتی به هم زده و باغات چای زیادی در لاهیجان داشت. در سال های تبعید زندگی به ظاهر آرامی در لاهیجان داشت و چون همسرش صاحب فرزند نمی شد. با دختری شمالی ازدواج کرد و از آن دختر صاحب فرزند شد که فرزندش به نام حسین در جوانی به مواد مخدر - هرویین - روی می آورد و جوان مرگ می شود می توان گفت خوشبختی خانوادگی نداشته است.

*رضاخان به اشتباه مصدق را تبعید می کند

عوامل جاسوسی انگلستان در همه جا بودند به رضاشاه گزارش می دهند که یکی از رجال ایران به بهانه تجارت فرش به آلمان رفته و قصد دارد علیه شما کودتا کند رضاشاه به اشتباه فکر می کند شخصی که علیه او قصد کودتا دارد به همین دلیل دستور می دهد شبانه دکتر مصدق را از خانه بیلاقی اش در تجریش دستگیر و تبعید کنند راز دستگیری دکتر مصدق در تیرماه ۱۳۱۹ این است.

بسیاری از مورخان علت دستگیری مصدق را نمی دانند به تازگی کتابی منتشر شده است که شامل اسناد به جا مانده در آلمان غربی است یک نسخه آن در کنگره آمریکا و یک نسخه در آرشیو وزارت خارجه آلمان است این اسناد نشان می دهد که قوام السلطنه قصد کودتا داشته است و نه مصدق.

*روس به قوام به عنوان سیاستمدار احترام می گذاشته است

بعد از شهریور ۲۰ یک مدت کوتاهی نوری و بعد سهیلی نسخت وزیر می شوند قوام در دوره رضاشاه مثل مصدق خانه نشین بوده است البته خیلی مورد توجه مردم قرار می گیرد و روس ها هم به او ارادت داشتند و قوام را یک سیاست مدار با شخصیت می دانستند و برخلاف کسانی که فکر می کنند قوام وابسته به انگلیس بوده او بیشتر به قدرت ثالث توجه داشته است.

*قوام سعی داشت با باز کردن قدرت ثالث به کشور دولت روس و انگلیس را کنترل کند

قوام علاقمند بود که آلمان یا آمریکا وارد صحنه سیاست ایران شود نسل امروز نمی دانند دولت انگلیسی و روسیه تزاری چقدر ایران را تحت فشار قرار می گذاشتند.

قوام در سال ۲۱ مدتی نخست وزیر می شود ولی شاه به علت اینکه پدرش همیشه از قوام بد می گفت او را آدم خطرناکی می دانست از او ناراضی بود. و با ورود آورانگان لهستانی به ایران و اشاعه تیفوس در ایران خواروبار کم می شود.

*حزب پیکار و نمایندگان سعی داشتند قوام را مجبور به استعفا کنند

حزب پیکار (جوانان) چند سردبیر روزنامه ها، عده ای از نمایندگان مجلس، یکی از نخست وزیران پیشین و یکی از روسای سابق اداره خوراک کوشیدند قوام را وادار به استعفا به نفع علی سهیلی کنند.

شاه و اطرافیان نظامی او از جمله یزدان پناه رییس ستاد ارتش و رادسر رییس پلیس تهران چندبار به قوام توصیه کردند که استعفا کند به این امید که به جای او دولتی نظامی روی کار بیاورند. قوام با اتکا به اعلام حمایت انگلیس، شوروی و آمریکا از استعفا خودداری کرد. به جای آن دستور داد برای بازگرداندن نظم اقدامات فوری به عمل آید. این اقدامات عبارت بودند از: ممنوعیت عبور و مرور در شب از ساعت ۸ بعد از ظهر، توقیف کامل تمام روزنامه ها، سانسور رادیو تهران، انتشار یک روزنامه رسمی دولتی (اخبار روز) و گماردن سپهبد احمدی برای برقراری دوباره نظم در خیابان های تهران

در هجدهم آذر رویدادها، همان طور که در روز قبل شروع شده بود، آغاز شد. گروه هایی از دانشجویان در دانشگاه تهران هنگامی

که کلاس‌ها دوباره تعطیل شد، سازماندهی شدند و به راهپیمایی به طرف مجلس پرداختند، اما این بار نیروهای پلیس عقب نشینی نکردند. آگهی‌هایی نصب شده بود که قصد کارگزاران حکومت نظامی را برای جلوگیری از هر گونه تظاهرات نشان می‌داد.

سپهبد احمدی مسلسل‌ها و تانک‌هایی در تقاطع‌های مهم قرار داده بود. سربازان انگلیسی و لهستانی در میدان‌های بزرگ به چشم می‌خوردند.

در میدان بهارستان سربازان ایرانی با شلیک مسلسل به مقابله با جمعیت دانشجوی و دیگر افراد همراه آنان پرداخته و آنها را متفرق کردند. در نتیجه کشتاری که رخ داد حدود ۶۰۰ نفر کشته یا زخمی شدند.

این کار برای نمایش دادن قدرت و جرات دولت کافی بود. همه مغازه‌ها بسته شدند و در خیابان‌ها جز گشتی‌های نظامی حاضر در همه جا، کسی دیده نمی‌شد. ممنوعیت عبور و مرور در شب از ساعت ۸ بعد از ظهر که به شدت اجرا شد آرامش را در تمام مدت شب برقرار کرد. روزنامه دولت، اخبار روز، برای نخستین بار در غروب هجدهم آذر منتشر شد و دستگیری رییس پلیس تهران را اعلام کرد که سپر بلای موقت در مقابل شورش شد.

قوام با تعطیل کردن مجلس تا بیست و هشتم آذر و گوشمالی دادن شاه تحت حمایت انگلیس، سلطه و موقعیت خود را تثبیت کرد. بعضی از مغازه‌ها در نوزدهم آذر و تمامی آنها در روز بعد دوباره باز شدند.

*شورش نان آشفته‌گی عمیق در کشور به وجود آورد

شورش نان آشفته‌گی‌های عمیق و دراز مدت بسیاری به همراه داشت. در آغاز، وضع تهیدستان کم‌غذای تهران که تعداد آنها بر شدت و وسعت شورش افزوده بود، تغییری نکرد. پس از یک سرشماری در بیست و هفتم آذر، برای همه اهالی تهران کارت‌های جیره صادر شد که در آنها ۸۰۰ گرم نان جو برای هر کارگر و ۴۰۰ گرم برای هر فرد دیگر در هر روز به بهای تقریباً سه سنت از سوی نانوایی‌های انبار غله در نظر گرفته شده بود.

این مقدار بیش از ۶۰ درصد کمتر از مصرف میانگین در طول ادوار عادی‌تر بود. با وجود این، بازار آزاد همچنان دایر بود و در آنجا نان سفید با کیفیت خوب را با تقریباً یک دلار برای هر ۴۰۰ گرم می‌شد به هر مقدار خرید. بازار آزاد تا زمانی که در دوازدهم مرداد ۱۳۲۲ آرتور میلسپو آن را تعطیل کرد، همواره برای گندم کمیاب پیشنهادی بیشتر از پیشنهاد انبار غله می‌داد.

با وجود این، جیره‌بندی یک راه‌حل نبود، زیرا تهران همچنان فاقد غله کافی بود و این امر شریکان را واداشت که از متفقین تقاضا کند که تا زمان برداشت محصول سال ۱۳۲۲ هر ماه ۱۰/۰۰۰ تن گندم تحویل دهند.

ماموران آمریکایی که به علت شدت شورش، برای اقدام در حال آماده باش بودند با وعده واگذاری ۲۵۰۰۰ تن گندم برای حمل فوری به ایران، پاسخ دادند.

ماموران انگلیسی با واگذاری ۱۰/۰۰۰ تن دیگر گندم به اضافه ۱۶۴۰۰ تن جو از عراق موافقت کردند. با وجود این، در بهمن ماه ایالات متحده برای حمل تنها ۸۰۰ تن به ایران جا پیدا کرد که فقط برای احتیاجات سه روز تهران کافی بود.

در اسفند ماه بیش از ۱۲۲۰۰۰ تن بار که برای کمک به اتحاد شوروی در نظر گرفته شده بود، در جنوب ایران در انتظار انتقال از کشتی به وسایل نقلیه دیگر بود و نظام حمل و نقل ایران را متوقف کرده بود. یک مرتبه هفده روز طول کشید تا گندم را بار بزنند و با کامیون به تهران برسانند. با وجود این، در خرداد ۱۳۲۲ مشکل تغذیه تهران تخفیف یافته بود.

روس‌ها در فروردین ۱۳۲۲ با واگذاری ۲۵۰۰۰ تن از گندم آذربایجان موافقت کردند و ۴۵۰۰ تن نخست آن در خرداد ۱۳۲۲ رسید.

ایالات متحده و انگلیس در خرداد ۱۳۲۲ تقریباً ۵۰/۰۰۰ تن غله به ایران حمل کرده بودند. واردات مداوم متفقین، افزایش برداشت محصول سال ۱۳۲۲ و استفاده از کامیون‌های متفقین برای جمع‌آوری و توزیع، در پاییز سال ۱۳۲۲ به بحران خوراک زمان جنگ در ایران خاتمه داد.

*شورش، دولت قوام را نیز سرانجام به زیر کشید

شورش، دولت قوام را نیز سرانجام به زیر کشید. او از عهده حل مشکلات غذایی ایران برنیامده بود. در هفدهم بهمن ۱۳۲۱ ده وزیر برای تثبیت قانونی بودن پیشنهاد قوام مبنی بر اجازه دادن به وزیران برای حفظ کرسی‌های خود در مجلس در مدت خدمت در دولت وی، استعفا کردند.

در بیست و چهارم بهمن ۱۳۲۱ مجلس در مخالفت با این پیشنهاد و به نفع علی سهیلی رای داد تا به عنوان نخست‌وزیر جانشین قوام شود. شورش، حاکی از بازگشت سربازان اشغالگر متفقین به تهران بود. آنها تا شانزدهم مرداد ۱۳۲۴ در تهران باقی ماندند و ماموران انگلیس و شوروی به منظور اعمال نفوذ بر سیاست ایران که به خصوص در طول بحران امتیاز نفت در آذر ۱۳۲۳ آشکار بود، آنها را مورد استفاده قرار دادند قوام نخست‌وزیری را رها می‌کند و بازنشسته می‌شود و بعد کابینه ساعد می‌آید و بعد هم در زمان اشغال ایران زمان کنفرانس تهران سهیلی نخست‌وزیر است که خیلی هم از پس خارجی‌ها بر نمی‌آید و ایران کشور اشغال شده می‌شود.

قوام در این مدت در خانه نشین می‌شود عده‌ای مردم و روشنفکران دور او جمع می‌شوند. قوام تشخص مخصوص داشته است و

رفتار و صحبت کردن و متانتش برای مردم جالب بوده است. او از اواخر سال ۲۱ تا ۲۴ شمسی خانه نشین بوده است و در این مدت شوروی ها به او ارادت پیدا می کنند و در سال ۲۴ و پس از پایان جنگ جهانی دوم قرار بود اشغالگران بلافاصله بعد از جنگ ایران را ترک کنند انگلیسی و امریکا سربازان خود را از ایران خارج می کنند. اما شوروی از خارج کردن سربازان خود از ایران امتناع می کند.

اعتراض می کند چرا انگلستان از امتیاز نفت جنوب برخوردار است و شوروی از امتیازی شبیه به این در شمال برخوردار نیست.

یکی از خدمات مصدق در مجلس این بود که طرحی را به مجلس برد که دولت ایران تا زمانی که در اشغال کشور به وسیله متفقین هست هیچ مامور ایرانی و نخست وزیر و... حق مذاکره برای واگذاری امتیاز نفت به کشوری خارجی را ندارد این قانون با اصلاحی در مجلس چهاردهم به تصویب رسید.

*کارگردان مجموعه کیف انگلیسی بی سواد است

این خدمت بزرگ مجلس چهاردهم به کشور است اما یک کارگردان ناآگاه به مسائل تاریخی با ساخت سریال «کیف انگلیسی» ادعا می کند که همه این نمایندگان خائن هستند. منکر نمی شوم که در مجلس چهاردهم نمایندگان طرفدار روسیه و انگلستان در مجلس حضور داشتند.

اما اکثر نمایندگان مستقل و وطن خواه بودند. که قانونی را تصویب می کنند که دولت ایران تا زمانی که در اشغال بیگانگان است دولت ایران حق برگزاری انتخابات را ندارد.

*استالین قصد داشت ۵ استان شمالی را زمینه خاک روسیه کند

بعد از گذشت چندین دهه و با تجزیه اتحادیه شوروی و رو شدن اسنادی از آن دوران، متوجه می شویم. استالین قصد داشت ۵ استان شمالی را زمینه خاک روسیه کند. در ۱۹۹۹ چند دانشگاه مانند دانشگاه پاریس و دانشگاه آمریکایی آذربایجان آمریکا و جمهوری ارمنستان، گرجستان اسناد کگ. ب را منتشر کردند. که این اسناد نشان داد چرا استالین برای گرفتن امتیاز نفت شمال اصرار داشته است.

*حزب توده خواستار دادن امتیاز نفت به روسیه است

در دوران صدارت قوام سرگئی کافتارادزه معاون کمیسر خارجی شوروی به ایران می آید و با آقای ساعد نخست وزیر ملاقات کرد و حزب توه هم شروع به تبلیغات می کند که ملت ایران خواهان دادن امتیاز نفت به شوروی است و باید تبعیض از بین برود.

سرگئی را دولت ایران دست خالی برمی گرداند. روس ها یک سازمان بین المللی را که کمینترن بود ایجاد کردند و افرادی را به کشورهای مختلف می فرستادند تا با آموزش افراد زمینه انقلاب کارگری - کمونیستی را در آن کشور فراهم کنند. و فردی را به ایران فرستادند که کمونیست های ایرانی را آموزش دهد. و شخصی به نام میرجعفر پیشه وری را که در زندان رضاشاه به اتهام جاسوسی به سر می برد را پیدا کردند. ایشان از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۲۰ در زندان بود بعد از شهریور ۱۳۲۰ از زندان آزاد شد و پیشه وری یک روزنامه دست چپی به نام «آژیر» منتشر کرد.

اعضای حزب توده افرادی مانند فریدون کشاورز و ایرج اسکندری پیشه وری را بیسواد می دانستند به همین دلیل او را قبول نداشتند. پیشه وری در جوانی در قفقاز کارگری می کرده است. همراه با کار به تحصیل پرداخت. حزب توده تصمیم گرفت در آذربایجان شورش راه اندازی کند. حزب توده اردشیر آونسیان را به نمایندگی از حزب به آذربایجان فرستاد. ترک های آذربایجان چون مسلمان بودند اردشیر آونسیان را قبول نداشتند. به طور مثال خلیل ملکی یکی از طرفداران حزب توده به حزب توده اعتراض می کند که چرا در ساختمان کمیته مرکزی به جای استفاده از عکس های ستارخان و باقرخان از عکس های لنین استفاده می کند.

دولت شوروی که تمام آذربایجان را اشغال کرده بود به حزب دموکرات کمک می کند. تا پیشه وری اعلام استقلال کند و آذربایجان ایران را از ایران جدا کند.

اسناد جدید که در باکو منتشر شده شخصی به نام جلیل حسن اف که آدم باسوادی است، استاد دانشگاه باکو است کتابی به نام آذربایجان در آستانه جنگ سرد منتشر کرده است در آنجا می گوید شوروی ۶۰۰ افراد متعصب انقلابی که به کمونیست باور داشتند به آذربایجان فرستاد جالب این است که کنسول انگلیس در تبریز می گوید آذربایجانی ها هیچ گونه میل جدایی از ایرانیان ندارند - مردم آذربایجان به شدت مردم مذهبی و وطن پرست هستند - هیچ علاقه ای به جدا شدن از ایران ندارند.

حزب دموکرات و پیشه وری از شهریور ۲۰ شروع به تبلیغات می کنند که ترک با فارس فرق دارد و برای جداسازی آذربایجان افسر شهربانی و رئیس ایلچی را می کشند و پای او را اره می کنند.

در چنین وضعیتی حکیم الملک نخست وزیر است که فراموسون و ضعیف النفس بود و استالین هم او را قبول نداشت و مجلس کابینه اش را ساقط می کند. صدراالشراف نخست وزیر می شود که نمی تواند پیش از چهل روز حکومت کند دستور قلع و قمع شورش تبریز را می دهد که آنهم به جایی نمی رسد و چون سربازان شوروی در شریف آباد قزوین جلوی ارتش ایران را می گیرند حتی ارتش هم وارد عمل نشد بلکه ژاندارم ها بودند فرمانده لشکر تبریز شخصی به نام سرتیپ درخشانی بود که بعدها مشخص شد ایشان از سال ۱۳۱۸ که اخراج شده بود با روس ها ارتباط داشت.

پادگان تبریز در دست ارتش روس بود ارتش ایران در باغ کشاورزی مستقر بودند که اطرافش را سیم خاردار کشیدند و مناسب دفاع نبود. و بنابراین لشکر تبریز که بیشتر از هزار نفر نبود در شهر رضائیه و ارومیه مقاومت می‌کند در چنین وضعیتی دوباره چشم‌ها متوجه قوام‌السلطنه شده بود و بزرگان به خانهاش می‌روند و با خواهش و تمنا از او می‌خواهند نخست‌وزیری را بپذیرد برای اینکه شوروی‌ها نسبت به قوام خوشبین بودند و حزب توده هم از او حمایت می‌کرد قوام در حالی کابینه خودش را تشکیل می‌دهد که دوره مجلس در حال تمام شدن است نیروهای سیاسی تبلیغات را برای کسب کرسی‌های مجلس آغاز می‌کنند و حزب توده نیز از قوام حمایت می‌کند و ارتش شوروی برای که ایران ترک کند خواستار کسب امتیاز نفت شمال است قوام بلافاصله اعلام می‌کند که شخصا به روسیه می‌روم با ژنرال روسی ملاقات می‌کند دولت شوروی هواپیما می‌فرستد قوام با هیأتی قوی که شامل چند روزنامه‌نگار و روسی دان برجسته است به شوروی می‌رود این افراد مانند حمید سیاح و نفیسی به باکو می‌روند یک شب در باکو اقامت می‌کنند و بعد به مسکو می‌روند هواپیمای آن زمان ضریب امنیتی پایینی داشتند. در مسکو مورد استقبال مولوتوف قرار می‌گیرد همراهان در هتل بزرگ مسکو جای می‌گیرند و قوام در یکی از کاخ‌های تزاری سکونت می‌کند.

قوام در اتاق کار استالین در کاخ کرملین با او ملاقات می‌کند. استالین بسیار به قوام بی‌اعتنایی می‌کند با اکراه یک صندلی می‌آورند تا قوام بنشیند. قوام با بی‌اعتنایی استالین روبه رو می‌شود دست به جیب می‌شود سیگاری از جیبش بیرون می‌آورد به این ترتیب استالین ناچار می‌شود برای او فنکد بزند. قوام به زیرکی استالین را از حالت اربابی خارج می‌کند.

مذاکره با قوام گاهی اوقات ساعت‌ها طول می‌کشید این در حالی بود که قوام دچار بیماری پروستات بوده است مجبور بود مدام در مدت کوتاه به دستشویی برود و در مذاکره به شدت درد می‌کشیده است. پدر سعید نفیسی دکتر بود در آن سفر قوام را معالجه می‌کرد. قوام شخصیت کاریزما داشت مدام به ملاقات استالین می‌رود و گفت‌وگو می‌کند و مرتب استالین به او حمله می‌کند.

استالین وقتی عصبانی می‌شد عکس گرگ در کاغذ می‌کشید در یکی از دیدار با قوام بیش از ۱۰۰ گرگ در کاغذ کشید و مدام پیپ می‌کشید با این استدلال که ایران بعد از پایان جنگ جهانی اول ادعا کرد باید قفقاز و ترکمنستان به ایران برگردد ایران را متهم به دشمنی با شوروی می‌کرد. قوام پاسخ داد دولت قاجار خواهان بازگشت سرزمین‌های قفقازی بود در حالی که دولت جدید چنین نظری ندارد.

استالین پرسید چرا آن دولت چنین درخواستی داشت قوام پاسخ داد دولت تزار که توسط کمونیست‌های شوروی ساقط شد دولت زورگویی بود ما از زمانی که آقای لنین سر کار آمد خواهان همکاری و گسترش روابط با شوروی هستیم. در حال حاضر روابط ایران با شوروی دوستانه است. و ایران جز اولین کشوری بود که شوروی و انقلاب کمونیستی شوروی را به رسمیت شناخت.

قوام یک دیپلمات کامل بود بسیار اروپائیان آدم‌های دلال و حسابگر هستند و امروز در بحث مسئله هسته‌ای وقتی مذاکره آقای ظریف را با این آدم‌ها می‌بینید همیشه ظریف لبخند به لب دارد اما من مطمئن هستم از ته دل در حال گریه است قوام همیشه

در برابر استالین می‌خندید و با زیرکی رفتار می‌کرد هرچه استالین بد اخلاقی می‌کرد در عوض قوام دیپلماتیک جواب می‌دهد.

همراهان قوام توضیح می‌دهند که قوام بعد از مذاکره با استالین وقتی به کاخ برمی‌گشت آن اندازه اذیت می‌شد که گریه می‌کرد و به همراهانش شکوه می‌کرد آنقدر استالین بی‌ادب است که دود پپیش را به صورت من می‌زند. اما قوام با وجود این بد اخلاقی‌ها دیپلماتیک رفتار می‌کرد و یک بسته چای و توتون لاهیجان را به عنوان هدیه برای استالین برد و گفت این هدیه کارگران ایرانی به شما است که استالین بسیار خرسند شد. در طول مذاکره قوام نامید شد و به استالین می‌گوید شما که قانع نشدید به همین دلیل من فردا مسکو را به سمت ایران ترک می‌کنم.

استالین قوام را به ضیافت شام دعوت می‌کند و قوام می‌گوید من به اتفاق همه اطرافیان خدمت می‌رسم و استالین ضیافت عالی برگزار می‌کند و در ضیافت آخرین گفت‌وگو انجام می‌شود قوام از استالین می‌پرسد در نهایت نظر شما چیست؟ استالین جواب می‌دهد که نظرم این است که شرکت تشکیل بدهیم و قوام می‌گوید به این دلیل دست من باز شد. چون دکتر مصدق طرحی را به تصویب مجلس رساند که در زمان اشغال به شرکت خارجی نباید امتیاز داد.

استالین از قوام می‌پرسد چرا؟ مجلس را منحل نمی‌کنید.

قوام جواب می‌دهد اگر شما سربازان را از ایران خارج کنید من به شما قول می‌دهم مجلسی از طرفداران من تشکیل می‌شود و کسانی که به هدف‌های من اعتماد دارند به مجلس می‌روند و من قول می‌دهم امتیاز شرکت نفت را به تصویب برسانم.

نامه‌هایی که قوام به سفیر شوروی نوشت شاهکار است در آن نامه‌ها توضیح می‌دهد مردم آذربایجان به هیچ روی خواهان جدایی از ایران نیستند و مسئله آذربایجان مسئله داخلی است و همیشه از نظر نژاد جز ملت ایران بودند زبان دلیل بر جدایی نیست.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۵۶۴-جزئیات-قوام-مذاکره-جذبات>